

دارد:

«کدام يك از این چهار فن (حساب و هندسه و موسیقی و هیات) را باید در وهله اول آموخت؟ بدیهی است آن علمی که طبیعتاً قبل از دیگران وجود داشته و بر دیگران برتری دارد و به منزله مبدأ و ریشه و مادر آنهاست... علم حساب است که تمام علوم دیگر را منسوخ می‌سازد، در حالیکه خود به وسیله علوم دیگر منسوخ نمی‌شود...»<sup>۱</sup>

دی بور، خاورشناس هلندی، می‌نویسد که «جمعیت اخوان الصفا تاثیر محیط در اندیشه‌ها برای روشن شدن اذهان عمومی ناچار بودند پاره‌یی از عقاید و نظریات خود را در پرده و به نحوی مرموز بیان کنند، تا مورد تکفیر معاندان قرار نگیرند. از جمله در رساله «حیوان و انسان» آنان، عقاید و ادیان موروثی را مورد حمله قرار می‌دهند و به انواع وسایل می‌کوشیدند تا اذهان عمومی را بیدار کنند: اخوان دو دین زرتشتی و مسیحیت را نزدیکترین ادیان به کمال می‌دانستند. به عقیده آنها حضرت محمد (ص) برای هدایت قومی بیابانگرد فرستاده شده است که در صحرائی خشک می‌زیستند و از زیباییهای زندگی دنیا چیزی درک نمی‌کردند... تعبیرات حسنی که در قرآن مجید آمده است با فهم این قوم تناسب داشت، برای کسانی که از حیث فرهنگ و معارف بالاتر از ایشانند، شایسته چنین است که آنها را تأویل نمایند تا مفهوم عالی روحانی این قبیل آیات را دریابند.»<sup>۲</sup> «از نظر اخلاقی نیز اخوان الصفا می‌گفتند برای آنکه کسی نمونه و مظهر کمال باشد باید برگزیده‌ترین صفات اخلاقی ملل و نخل مختلف را فرا گیرد. بنابراین کمال مطلوب برای مرد کامل آن است که نسب فارسی، دین عربی، آداب عراقی، زیرکی عبرانی، سلوک مسیحی، برهیز شامی، دانش یونانی، بینش هندی، سیرت صوفی، اخلاق ملکی، رای رتانی و معارف الهی داشته باشد.»<sup>۳</sup>

اندروز این‌سینا - ابن‌سینا مانند جمعیت اخوان الصفا در آخر کتاب اشارات خطاب به یاران و هم‌فکران خود می‌گوید: «ای برادر! من در کتاب اشارات شیر و عصاره حقایق را نوشته‌ام، زنهار آن را به مردم نادان و یا کسانی که هوش و استعداد کافی ندارند میاموز، و از متفلسفان و خرمگسان بساط دانش مخفی دار - اگر کسی را یافتی که اندرونش پاك و عاشق حق و حقیقت بود مستودل او را اجابت کن و از این جگم اندك اندك به او بیاموز،

۱. مأخوذ از همان کتاب.

۲. تاریخ فلسفه در اسلام، ترجمه شوقی، ص ۹۹ تا ۱۰۱ (به اختصار).

۳. مأخوذ از همان منبع، به اختصار.

نیک بنگر تا لقمه بزرگتر از حوصله‌اش به او نخورانی و با او پیمان ببند که او نیز در تعلیم دیگران از روش تو پیروی کند و از این رویه درنگ‌درد. اگر این علم را به نااهل آموزی یا از اهل، دریغ داری، خدای بزرگ بین من و تو داوری کند.»<sup>۱</sup>

چون هدف و نیت جمعیت آخوان‌الصفاء، در ستور افکار و آشنا کردن مردم با حقایق علمی، شباهت زیادی با برنامه‌های علمی، فرهنگی و اجتماعی اصحاب دایرة‌المعارف در اروپا دارد، اجمالاً به روش و سیاست فرهنگی نویسندگان دایرة‌المعارف در غرب تیز اشاره می‌کنیم:

### سابقه تاریخی دایرة‌المعارف در اروپا

کلمه دایرة‌المعارف یا «آسیکلپدی» ریشه یونانی دارد و از آن زبان ترجمه شده است و از شاخه‌های مختلف دانش بشری، یعنی از علوم، هنرها، حرفه‌ها و مشاغل گوناگون، و آثار و نتایج آنها بحث و گفتگو می‌کند.

برای اولین بار «رابله»<sup>۲</sup> نویسنده و طبیب فرانسوی (۱۵۵۳ - ۱۴۹۰) که مورد احترام فرهنگ‌دوستان و «اومانیستها» بود در نیمه اول قرن شانزدهم کلمه «دایرة‌المعارف»<sup>۳</sup> را از یونانی ترجمه و در آثار خود به کار برده است.

در آغاز قرون وسطا «مارسیانوس کاپلا»<sup>۴</sup> در یک مجلد شش رشته از علوم، یعنی گرامر، دیالکتیک<sup>۵</sup>، رتوریک<sup>۶</sup>، ژنومتری<sup>۷</sup>، آسترولوزی<sup>۸</sup>، آرت متیک<sup>۹</sup> و موزیک را گردآوری و تألیف کرد.

۱. تلخیص از اشارات به اهتمام حسن طیبی با مقدم نصراله تقوی ص «ع»

2. Rabelais

3. Encyclopedie

4. Marcianus Capella

5. Dialectique

6. Rehetorique

7. Geometrie

8. Astralagie

9. Arithmetique

از اواخر قرون وسطا در کار تنظیم دایرةالمعارف و علم اشتقاق<sup>۱</sup> پیشرفت مختصری حاصل شد. در قرن سیزدهم کشیشی به نام ونسان دُپوه<sup>۲</sup> به فرمان شاه (سنلوی) با استفاده از کتب و منابعی که در اختیار داشت در زمینه تاریخ طبیعی و دیگر رشته‌های فرهنگی آثاری به یادگار گذاشت.

در ۱۶۰۶ يك استاد ناحیه «پرم»<sup>۳</sup> به نام مایتاس مارتین<sup>۴</sup> تصمیم گرفت که يك دایرةالمعارف کامل گردآوری کند و در این راه قدمهایی برداشت. بعد از او، دایرةالمعارفی به همت فرانسیس باکون<sup>۵</sup> با رعایت اصول الفبائی (آلفابتیک) آماده و منتشر گردید.

با انتشار این دایرةالمعارف، نخستین قدم اساسی برای تنظیم دایرةالمعارف برداشته شد.

و بعدها دیگران با رعایت این اصول به تنظیم دایرةالمعارف در رشته‌های مختلف علوم همت گماشتند، در میان پژوهندگان غرب دانشمندان انگلستان در تنظیم دایرةالمعارف پیشقدم بودند، بعد از آنها عده‌ای از دانشمندان فرانسه با توجه به مطالعات محققان انگلیسی، زیر نظر دیدرو<sup>۶</sup> و دالامیر<sup>۷</sup> اثری بدیع و بنیادی پدید آوردند اولین جلد این کتاب گرانقدر اول ژوئیه ۱۷۵۱ منتشر شد که در مقدمه آن دالامیر و دیدرو شرح جالبی از سیر تکاملی فرهنگ و دانش بشری در طی قرون، به رشته تحریر درآورده‌اند.

از ۱۷۵۱ تا ۱۷۷۲ هفده جلد از این دایرةالمعارف منتشر شد بعداً در ۱۷۷۷ یازده جلد دیگر با پنج جلد ضمیمه به همت دانشمندان، برای تکمیل مجلدات قبلی در دسترس اهل علم قرار گرفت که در تألیف آن «دیدرو» دخالتی نداشت.

پنج هزار نفر از دانش‌دوستان فرانسه، این شاهکار فرهنگ بشری را پیش‌خرید کردند و هر يك ۹۵۶ لیور (واحد پول فرانسه) به عنوان پیش‌پرداخت به ناشر دادند. انتشار این کتاب، با موانع و مشکلات گوناگون مواجه گردید، چون مطالب و مندرجات آن جنبه علمی داشت مرتجعین زمان و مخالفان رشد فرهنگ و دانش بشری،

1. Etymologie

2. V.de Beauvais

3. Brene

4. Mathias Martins

5. Francis Bacon

6. Diderat

7. D'Alembert

مخصوصاً ززونیتهای و دیگر فِرَقِ متعصب به مخالفت برخاستند. برخلاف این گروه، ترقیخواهان و اهل علم با کمک مقامات رسمی، مخصوصاً با کمک مادام دویمادور و مارگیز دار زانسون<sup>۱</sup> و با جانبداری جدی مالزرب<sup>۲</sup> مدیر کتابخانه، به این خدمت بزرگ فرهنگی ادامه دادند.

غیر از خدمتگزارانی که نام بردیم، مرد فرهنگ‌پروری به نام زکور<sup>۳</sup> تمام دارانی و مساعی خود را در راه انجام و انتشار این کار علمی بکار برد.

ادبا، دانشمندان، فلاسفه و هنرمندانی چون ولتر، منتسکیو، روسو و دیگر شخصیت‌های فرهنگی به شرح زیر در تألیف و پیدایش این دایرةالمعارف شرکت جستند:

در رشته فلسفه: هلوتیوس<sup>۴</sup> و لابه کوندیللاس<sup>۵</sup>

در حکمت الهی و علم کلام: لابه مورله<sup>۶</sup>

در شیمی: بارون هلیاخ

در تاریخ طبیعی: دوبانتن<sup>۷</sup>

در انتقاد ادبی: مارمونتل<sup>۸</sup>

در صرف و نحو و «گرامر» دومارسه<sup>۹</sup>

در اقتصاد سیاسی: کته<sup>۱۰</sup> و توگو<sup>۱۱</sup>

به این ترتیب برای اولین بار یک فرهنگ یا دایرةالمعارف که حاوی علوم و هنرهای مختلف بود با تحمل مشکلات و رفع موانع گوناگون در فرانسه منتشر گردید، انتشار این شاهکار فرهنگی تأثیری عمیق و مداوم در انقلاب فکری و اجتماعی ملت فرانسه و دیگر ملل غرب باقی گذاشت.

سیر تکاملی دایرةالمعارف در فرانسه:

1. Le Marquis d'Argenson
2. Males Herbes
3. Jaucourt
4. Helse tius
5. L'abbe de candillac
6. Theologien l'abbe Mareblet
7. Daubentan
8. Marmontel
9. Dumarsaius
10. quesnay
11. Tugot

۱ - از ۱۸۳۳ تا ۱۸۴۵ دایرةالمعارفی بنام دایرةالمعارف «دیزان دوموند»<sup>۱</sup> که مجمع فرهنگی بود در ۲۲ جلد منتشر شد.

۲ - از ۱۸۴۶ تا ۱۸۵۱ دایرةالمعارفی در ۳۰ مجلد و دوازده جلد تکمیلی در اختیار علاقمندان قرار گرفت.

۳ - در قرن نوزدهم یعنی از ۱۸۳۶ تا ۱۸۵۹ دایرةالمعارف دیگری در ۷۵ مجلد منتشر گردید.

۴ - بعد از چندی دایرةالمعارف یا «دیکسیونر لاروس» از ۱۸۶۶ تا ۱۸۷۶ در ۱۵ مجلد قطور بضمیمه دو جلد تکمیلی<sup>۲</sup> چاپ و منتشر شد.

۵ - از ۱۸۸۵ تا ۱۸۹۲ دایرةالمعارفی در ۳۱ مجلد زیر نظر مارسلن برتولو<sup>۳</sup> در اختیار علاقمندان قرار گرفت.

۶ - در عصر ما، سنت تنظیم دایرةالمعارف را نویسندگان لاروس<sup>۴</sup> جدید ادامه دادند. نخست از ۱۸۹۶ تا ۱۹۰۴ لاروس بزرگی در ۷ مجلد منتشر کردند.

۷ - در قرن بیستم دانشمندان فرانسه با تهیه مقدمات از ۱۹۶۰ تا ۱۹۶۲ موفق شدند بیست مجلد (گراند لاروس ایلوستره) در اختیار اهل علم قرار دهند.

در روسیه قبل از انقلاب، دایرةالمعارفی در ۸۲ جلد در «سن پترزبورگ» بین سالهای ۱۸۹۱ تا ۱۹۰۴ منتشر گردید. بعداً ممتمی در چهار مجلد بر آن مجموعه افزوده شد که گردآوری و تألیف مطالب آن از ۱۹۰۱ تا ۱۹۰۷ بطول انجامید.

پس از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ عده‌ای از دانشمندان به تألیف دایرةالمعارفی جدید در ده مجلد در مسکو مشغول شدند (از ۱۹۲۸ تا ۱۹۳۲) که درحقیقت تلخیصی از دایرةالمعارف مشروح قبلی بود<sup>۵</sup>.

غیر از دایرةالمعارفهای عمومی که شامل تمام دانشهای بشری است، امروز به همت علما و پژوهندگان، در هر یک از رشته‌های مختلف فرهنگ و دانش، دایرةالمعارفهای تألیف و تصنیف شده که از آن میان می‌توان به دایرةالمعارفهای که در رشته‌های ادبی، کشاورزی، تاریخی، جغرافیائی، طبی، هنری، دارونی، موسیقی و جز اینها نوشته شده

1. des gens du mond

2. juplement

3. Marcelin Berthelot

4. Nouveau Larousse

۵. ترجمه و تلخیص از لاروس بزرگ فرانسه جلد چهارم صفحه ۵۷۷ ستون سوم.

است اشاره کرد.<sup>۱</sup>

در دایرةالمعارف فارسی، در پیرامون نقش آموزشی و فرهنگی دایرةالمعارفهای مهم اروپا و جهان اسلامی چنین آمده است:

دایرةالمعارف - یا به اصطلاح اروپائی انسیکلوپدی یا دیکسیونر مستدل علوم، صنایع و جزف، در کشور فرانسه به سرپرستی دیدرو و دالامیر و با همکاری عده‌ای از متفکرین عصر که به «اصحاب دایرةالمعارف» مشهور گردیدند - تألیف و در سالهای (۱۷۵۱ - ۱۷۷۲) در ۲۸ مجلد منتشر شد. نقشه اولیه این بود که دایرةالمعارف «جیمبرز» ترجمه شود، ولی به سبب بروز اختلافاتی که روی داد این نقشه متروک شد، و ناشر موافقت کرد که دیدرو و دالامیر کتابی تازه فراهم سازند. مجلد اول آن با مقدمه معروف دالامیر - و با همکاری ف. کته، منتسکیو، ولتر، ژرژ. روسو، تورگو، و دیگران در ۱۷۵۱ انتشار یافت. به سبب نفوذ ززوتیها، دولت اجازه چاپ کتاب را لغو کرد (۱۷۵۹) و دالامیر کناره گیری نمود. ولی دیدرو، به یاری مالزرب، مقاومت و ایستادگی کرد. سرانجام چاپ پنهانی کتاب را به پایان رسانید (۱۷۷۲). در ۱۷۸۰، پنج مجلد ضمیمه و دو جلد فهرست به آن افزوده شد. دایرةالمعارف مظهر افکار روشنفکری بود، و اگر چه ناشر در بسیاری از مقالات آن که جنبه آزادفکری داشت تصرفات فراوان کرد. و آنها را «مثله» نموده بود، این امر، از نفوذ بی انتهای دایرةالمعارف نکاست، دایرةالمعارف به سبب تأکید در «دترمی نیسم»<sup>۲</sup> علمی و حمله‌هایی که به زیاده‌رویهای مقامات قانونی و قضائی و روحانی کرده بود، عامل عمده در آماده کردن زمینه فکری برای انقلاب فرانسه بشمار می‌آید. برای آشنایی بیشتر خوانندگان، با خصوصیات اجتماعی آسیا و اروپا قبل از انقلاب فرانسه، نظر مورس داماس و همفکران او را نقل می‌کنیم:

جمود تفکرات فلسفی  
 به نظر مورس داماس و سایر نویسندگان کتاب «میانی تمدن  
 صنعتی» یکی از عواملی که شرق را از غرب متمایز می‌سازد،  
 در شرق طرز زندگی و خصوصیات روانی آنان است، «تحولات اروپا».

تا حدی زاینده دوران اصلاحات مذهبی و دوران رنسانس می‌باشد. در اروپا، عصر

۱. ترجمه و تلخیص از جلد چهارم لاروس بزرگ «انسیکلوپدیک» فرانسه صفحات ۵۲۷ و ۵۲۸ مأخوذ از

Grand Larousse Encyclopedique "4" Desf. - Filao P. 527-528

۲. Determinisme عقیده‌ای است فلسفی که آثار را محصول علل و اسباب می‌داند، که هرچه آدمی بکند، آن حوادث روی خواهد داد (اعتقاد به قضای محتوم).

«گوتیک» جای خود را به عصر «پرومته‌ای» داد و فلسفه درون‌گرا، واپس‌نشست و عقب‌نشینی کرد. بدین معنی که بجای اصرار در صوفی‌منشی و رفتار منفی چینی - هندی و دوران اولیه مسیحی، نسبت به جهان، - اروپا کوشید تا واقعیت را بشناسد و از طریق اصلاحات مناسب اجتماعی، بهشت را در این جهان تحقق بخشد. این کار یسی بالاتر از کشف و شهود و درک جهان‌شناسی يك تمدن ورشکسته بود. - مذهب که از سیاست جدا شده است، فقط در پهنه روح افراد فعالیت دارد (لوتر). - به تدریج مفاهیم فردی و ملی جای مفاهیم همگانی را گرفتند، سیاست، تکیکی برای تضمین تفوق دولت بر فرهنگ گردید. (ماکیاول). - انسان از بردگی جهان دست کشید تا ارباب آن گردد.

همانطور که فیدهام اظهار می‌دارد، پیدایش يك اقتصاد سرمایه‌داری و تولید و بازرگانی، مناسب با روحیه عمل و اقدام است. و کلیه عقاید خرافی و درک اساطیری زمان، مکان و علم هبشت را درهم می‌ریزد، و حصول این تغییرات را به نفع بورژوازی امکان‌پذیر می‌سازد - از آن پس سرمایه‌داران اطلاعات خود را با ارقام يك شکل و معتبر در سراسر دنیا اعلام نمودند. نتیجه این کارها بخش اطلاعات ریاضی، همراه با دستاوردهای زیست‌شناسی بود. در چنین موقعیت اجتماعی و اقتصادی است که کاربردهای عملی علم، پیشرفت چشمگیری نمود و بشر امیدوار شد که نیرویی به جنگ آورد که از نیروهای تهدیدکننده طبیعت بسیار برتر باشد.<sup>۱</sup>

در دایرةالمعارفهای يك قرن اخیر به تلاش دانشمندان در این زمینه اشاره شده است و ما در سطور زیر به کوشش شرق‌شناسان، در راه تنظیم دایرةالمعارف اسلامی اشاره می‌کنیم:

دایرةالمعارف اسلامی - عنوان مشهور فارسی دایرةالمعارفی است الفیائی، شامل مواد راجع به جغرافیا، تاریخ، نژادشناسی، عقاید و مذاهب و زندگی‌نامه مشاهیر اقوام مختلف اسلامی، که مقالات مختلف آن را در هر موضوع، غالباً شرق‌شناسان معروف متخصص در آن موضوع، نوشته‌اند. تهیه این دایرةالمعارف، تحت مراقبت اتحادیه بین‌المللی آکادمیها و تا حدی به کمک آکادمی سلطنتی هلند و با نظارت هیأت‌هایی از مستشرقین آغاز شد، و طبع اول آن به زبانهای انگلیسی، فرانسوی، آلمانی تحت نظر عده‌ای از شرق‌شناسان معروف مثل هوتسما، آرنلد، بارسه، هارتمان، ونسینگ، گیب، هفنینگ، ولوی پروونسال در سالهای ۱۹۱۳ - ۱۹۳۶ منتشر شد، و ضمایم آن نیز در

۱. مورس داماس و دیگران، تاریخ صنعت و اختراع، جلد اول، «بیانی تمدن صنعتی» ترجمه عبدالله ارگانی، ص

سالهای ۱۹۳۴ - ۱۹۳۸ انتشار یافت. در تألیف مقالات این چاپ، عده‌ای از شرق‌شناسان بسیار معروف مثل بارتلد، ماگولیو، گولد سیهر، هوار، نیکلسون، بروکلمان، کارادووو، ماسینیون، مینورسکی و دیگران شرکت کردند، و از مزایای آن مخصوصاً ذکر مراجع مختلف بود. در ذیل مقالات، که در تکمیل اطلاعات مندرج در مقالات فواید بسیار دارد. شهرت این دایرةالمعارف، سبب شد که به زودی نسخ آن تمام گشت و در فاصله بیست سال، تجدید چاپ آن ضرورت یافت. از این رو در ۱۹۵۳ منتخبی از مقالات راجع به احکام و عقاید آن تحت عنوان دایرةالمعارف ملخص اسلام انتشار یافت. و از چاپ جدید آن نیز که مقدمات آن قبلاً تدارک شده بود، جلد اول به سال ۱۹۶۰ منتشر شد. دایرةالمعارف اسلام متضمن مقالات سودمند در باب مباحث راجع به اسلام و اقوام اسلامی است، و با آنکه مقالات آن - به تفاوت مراتب فضل و کمال و دقت و جامعیت نویسندگان آنها - غنّ و سمین دارد، مرجع معتبری برای هر محقق است که بخواهد در باب اسلام و تاریخ آن تحقیق و مطالعه کند.

ترجمه دایرةالمعارف اسلام به السنه عربی، ترکی، و اردو از چندی پیش آغاز شده است و هنوز به اتمام نرسیده. در ایران هم به اهتمام سیدحسن تقی‌زاده و عده‌ای از فضلاء معاصر و با همکاری وزارت فرهنگ ترجمه آن آغاز شد اما سرنگرفت و متوقف گشت.<sup>۱</sup> امروز دانش‌پژوهان و علاقمندان رشد و تکامل فرهنگ ایران، با بی‌صبری منتظرند که مجلّدات دایرةالمعارف اسلامی، که در پیدایش و تنظیم آن، از قرن سوم هجری به بعد علما و دانشمندان ایرانی، نظیر زکریای رازی، ابن سینا، حجة الاسلام غزالی، فخر رازی و عده‌ای دیگر طی قرون نقش فعال و مؤثری داشته‌اند، هرچه زودتر با تشویق و مباشرت و کمک مادی و معنوی وزارت فرهنگ، و وزارت ارشاد جمهوری اسلامی چاپ و منتشر گردد، تا دانش‌جویان و پژوهندگان ایرانی و خارجی از این منبع عظیم و گرانقدر دانش بشری بی‌نصیب نمانند. و انتشار این قبیل آثار مخصوصاً تألیف و تدوین نخستین دایرةالمعارف نوین فارسی، سند و نموداری، حاکی از توجه و عنایت جمهوری اسلامی به امور و مسائل فرهنگی باشد.

تنظیم دایرةالمعارف در اروپا - در اروپا، دایرةالمعارف عنوان عمومی هر یک از کتابهایی است که حاوی زبده‌ای، کمابیش مختصر، از همه رشته‌های دانش انسانی، یا از

۱. دایرةالمعارف فارسی زیر نظر دکتر غلامحسین مصاحب و با همکاری عده‌ای از فضلاء معاصر، جلد اول (۱) صفحات ۱۵۷ و ۱۵۸.



رشته معینی از دانش بشری است.

تفاوت اساسی آن با لغت نامه‌ها در این است که لغت نامه اساساً ناظر به «لغات» است، و حال آنکه دایرةالمعارف، اساساً ناظر به اطلاعاتی در باب «موضوعهای مختلف» و بحث کمابیش مختصری از آنهاست. اگرچه در بسیاری موارد، نمی‌توان حد قاطعی بین کتاب لغت و دایرةالمعارف معین کرد.

ظاهراً ارسطو نخستین کسی بود که اقدام به گرد آوردن مجموعه اطلاعات بشری کرده است، و پس از وی کسانی دیگر در مغرب زمین به تقلید از وی پرداختند.

بعضی کتاب تاریخ طبیعی «هلینی قهین» را نخستین دایرةالمعارف شمرده‌اند.

بسیاری از دایرةالمعارفهای شرقی، خاصه مجموعه‌های حجیم چینی، بیشتر جنبه گلچینی داشته‌اند. بعضی از فضلالی قرون وسطا، در راه گرد آوردن دایرةالمعارف گونه‌هائی به تکاپو برخاستند، از آن جمله ایسیدوروس سویلی (۵۶۰ - ۶۳۶م) که کتاب اشتقاقات وی مجموعه‌ای از دانش عصر اوست. در اروپا تحول از روش تنظیم مطالب دایرةالمعارف برحسب رشته‌ها، به تنظیم آنها به ترتیب الفبائی در قرن هفدهم میلادی و اوایل قرن هیجده میلادی واقع شد. از نخستین نمونه‌های دایرةالمعارفهای تاریخی و زندگی‌نامه‌ای می‌توان فرهنگ بزرگ تاریخی (لیون، ۱۶۷۴) اثر لونی مویرری<sup>۱</sup>، کشیش فرانسوی را نام برد که به انگلیسی، آلمانی، اسپانیولی و ایتالیایی ترجمه شده، و گویند اساس کتاب فرهنگ تاریخی و انتقادی (۱۶۹۷) بیریل قرار گرفت.

نخستین دایرةالمعارف معتدبه و قابل توجه انگلیسی و مرتب، به ترتیب حروف الفبائی دایرةالمعارف فنی (۱۷۰۴) جان هریس<sup>۲</sup> (۱۶۶۷ - ۱۷۱۹) است ولی کتابی که در تکامل فن دایرةالمعارف‌نویسی در انگلستان نقش بسیار مهمی داشته است، کتاب دایرةالمعارف (۱۷۲۸) چیمبرز و ویلیام میاشد که چاپ بعد آن براساس فرهنگ بروکهاوس فراهم شد، و در تهیه دایرةالمعارف معروف فرانسوی (دایرةالمعارف به عنوان اسم خاص) مورد استفاده قرار گرفت.

از دایرةالمعارفهای معروف کنونی به زبان انگلیسی که سابقه معتمدی دارد یکی دایرةالمعارف بریتانیک و دیگری دایرةالمعارف آمریکاناست.

در فرانسه، در نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی دو دایرةالمعارف در پاریس به چاپ رسید که هنوز هم در بعضی مسائل ارزش فراوان دارد: یکی دایرةالمعارف بزرگ (۳۱)

1. Lui moreti

2. J. Haris

جلد، ۱۸۸۶ - ۱۹۰۲) و دیگری دیکسیونر عمومی فرانسوی بزرگ قرن ۱۹ میلادی (از لاروس، جلد، ۱۷، ۱۸۶۶ - ۹۰). پیش از جنگ جهانی دوم، طرحی برای انتشار دایرة المعارف فرانسوی در ۲۱ جلد، ریخته شد، که پیش آمد جنگ، سبب انقطاع آن گردید.

بعضی از مفصلترین دایرة المعارفها، حاصل مساعی آلمانهاست. از آنجمله است دایرة المعارف تسدلر، Tesdler که در (۱۷۳۲ - ۵۰) در ۶۴ جلد به چاپ رسید و هنوز مفید است. دیگر فرهنگ بروکهاوس است. از دایرة المعارفهای معروف، دایرة المعارف بزرگ شوروی (سویت) چاپ اول در ۶۵ جلد (۱۹۲۶-۱۹۴۷) است.

برخی از دایرة المعارفها، اختصاص به موضوع خاص دارد، مثل دایرة المعارف اسلام، دایرة المعارف یهود (۱۲ جلد در تاریخ ۱۹۰۱ تا ۱۹۰۶) دایرة المعارف کاتولیکی (۱۸ جلد، ۱۹۰۷ - ۱۹۲۲) و دایرة المعارف هیستینگز. دایرة المعارف یاولی - واسووا<sup>۱</sup>، مشتمل بر معارف و تاریخ و ادب کلاسیک، از مفصلترین دایرة المعارفهای عصر حاضر است.

در بین مسلمین، تعریف کتابهای جامع مشتمل بر مسائل و مباحث علوم و فنون مختلف سابقه نسبتاً مفصل دارد چنانکه مفاتیح العلوم خوارزمی، جامع ستینی فخر رازی، ذرة التاج قطب الدین شیرازی، و نفایس الفنون آملی، هر یک به وجهی نوعی دایرة المعارف بشمار است، و کشف اصطلاحات الفنون تهانوی، بحق شایسته این عنوان تواند بود.

نیز معجم البلدان، ذخیره خوارزمشاهی، در بین دایرة المعارفهای اسلامی مخصوصاً دایرة المعارف بستانی و دایرة المعارف فرید وجدی را باید ذکر کرد.<sup>۲</sup>

نخستین دایرة المعارف فارسی، پس از تهیه مقدمات و سالها سعی و تلاش جمع کثیری از فضلاء معاصر در فروردین ماه نوین فارسی ۱۳۴۵ هجری شمسی با سرپرستی دکتر غلامحسین مصاحب

و با معاونت و همکاری احمد آرام و محمود مصاحب و ۴۲ تن دیگر از فضلاء معاصر، که نام و رشته تخصصی آنان در صفحه ۶ و ۷ جلد اول این دایرة المعارف ذکر شده است، صورت عمل و انجام پذیرفته است و چنانکه در دیباچه و مقدمه این شاهکار گرانقدر فرهنگی آمده است: «تألیف کتاب حاضر کار يك فرد نبوده است، بلکه، «ایر و باد و مه و

خورشید و فلک» در کار بوده‌اند تا این کتاب فراهم شده است. جمعی از فضلا و محققین و مترجمین به تهیه مقالات کتاب همت گماشتند، چند تن از مردان فاضل و محقق، که هیئت تحریریه دایرةالمعارف را تشکیل می‌دهند، مدت چند سال، تمام اوقات روزانه خود یا لاقط نیمی از آن را صرف بررسی و تنظیم مقالات و اجرای سایر مراحل کار کرده‌اند و به علاوه خود، مؤلف یا مترجم بیش از نصف مقالات کتاب نیز بوده‌اند.

... کار فراهم ساختن این دایرةالمعارف چندی پس از آغاز آن از صورت ترجمه خارج و جنبه تألیف و در بسیاری از موضوعها، جنبه تحقیق یافت. شرح مشکلات متعددی که در این راه با آنها مواجه بوده‌ایم (از قبیل انتخاب عناوین ضبط تلفظها، چگونگی ضبط فارسی اعلام خارجی، فراهم کردن اصطلاحات علمی، تألیف مقالات و غیره) از حوصله این دیباچه خارج است ولی با کمال خوشوقتی می‌توانیم بگوئیم که گره همه این مشکلات با مساعی جمیله جمعی از همکاران فاضل و محقق ما، گشوده شده است... چون دایرةالمعارف نویسی به سبک جدید در زبان فارسی امری بی سابقه بوده است ما ناچار بوده‌ایم که نظام و روشی برای مراحل و مسائل مختلف مربوط به آن از قبیل ضبط عناوین، تنظیم مقالات، ضبط تلفظها، نقطه گذاری و جز اینها وضع کنیم و در سراسر کتاب از آن پیروی نمائیم.

لزوم پیروی کردن از یک نظام منطقی در هر کتاب جدی، خاصه در کتابهای مرجع، از ضروریات است.

بطوریکه از دیباچه جلد دوم این دایرةالمعارف برمی آید، مؤسسه انتشارات فرانکلین در دی ماه ۱۳۵۰ از آقای رضا اقصی دعوت می‌کند که سرپرستی تهیه مقالات بازمانده، و همه امور مربوط به چاپ جلد دوم این کتاب را عهده دار شوند و ایشان با قبول این مسئولیت به انجام این کار خطیر فرهنگی مشغول می‌شوند. متأسفانه با آنکه تمام مقالات تا آخر حرف «ی» آماده چاپ است، چاپ و انتشار بقیه این کتاب مرجع که به شدت مورد نیاز دانش پژوهان ایران است، هنوز انجام نیافته است. اکنون که خوشبختانه سازمان آموزش انقلاب اسلامی جانشین مؤسسه فرانکلین شده است، علاقمندان پیشرفت و ترقی فرهنگ ایران، منتظرند که هرچه زودتر با علاقه و دلسوزی مسئولین امر، این دایرةالمعارف یا گنجینه فرهنگی در اختیار پژوهندگان و اهل علم قرار گیرد.

حال که تا حدی از سیر تکاملی دایرةالمعارف در ایران و جهان غرب آگاهی یافتیم، بار دیگر به معرفی فلاسفه و متفکرین ایرانی و آثار و افکار آنها می‌پردازیم:

### شیخ‌الرئیس ابوعلی سینا

ابوعلی سینا یکی از دانشمندان بزرگ قرون وسطاست، وی در سال ۳۷۰ هجری (۹۸۰ میلادی) در حوالی بخارا متولد شد. از کودکی به کسب علم راغب بود، از ده سالگی با قرآن، اصول دین، ادبیات، نحو و صرف، معانی و بیان، آشنا بود و نزد یک نفر بقال بخارایی، علم حساب را آموخته است و در ۱۷ سالگی نوح‌بن منصور سامانی را معالجه کرد و این امر باعث راه یافتنش به کتابخانه سلطنتی گردید و در ۱۸ سالگی کَلْبَةُ علوم معموله عصر خویش، مخصوصاً رشته طب را فرا گرفت و آثار گرانبهای اقلیدس، اَلْمَجَسْطِي و بَطْلَمْيُوس را مورد مطالعه قرار داد. بعدها به مطالعه آثار مناقب‌زیکی قُدما (مابعدالطبیعه) سرگرم می‌شود.

ابن سینا به این قانع نبود که در طبیعیات سرآمد، و در طب مرجع بلند آوازه دوران خویش باشد. بی‌گفتگو، این نکته را می‌دانست که تا شخص دانشمند، فیلسوف نباشد دانشش به کمال نمی‌رسد. به قول خودش، چهل بار کتاب مابعدالطبیعه ارسطو را می‌خواند ولی مطالب آن را کاملاً درک نمی‌کند تا روزی به حکم تصادف کتابی در اغراض مابعدالطبیعه از مؤلفات ابونصر فارابی به دستش می‌افتد و با مطالعه آن، به درک گفته‌های ارسطو توفیق می‌یابد.

جهان بینی ابن سینا «... ابن سینا عقلی مبتنی بر منطق داشت، بر تعریفات دقیق اهمیت می‌داد و از برکت کتابها و دانشهای فراوان و متنوعی که از خود به یادگار گذاشت مُدتهای دراز علما و دانشجویان قرون وسطا را به خود مشغول داشته بود، ابن سینا به این سؤال که آیا کلیات (چون انسانیت، فضیلت و سرخی) مستقل از جزئیات وجود دارد، جواب داده و می‌گوید اولاً کلیات پیش از خود اشیاء در عقل خدا وجود داشت و اشیاء از روی آن به وجود آمد، ثانیاً کلیات در اشیاء به وسیله صورت نوعی آن وجود دارد، و بعضی از اشیاء در عالم طبیعی به صورت معانی انتزاعی در عقل انسانی وجود دارد ولی منفصل از اشیای جزئی وجود ندارد. از پس یک قرن جدل و مناقشه، متفکرین غرب چون آبلار و اکتیناس نیز همین جواب را دادند... ابن سینا به قدم عالم معتقد بود و می‌گفت «وجود خداوند بر وجود جهان تقدم ذاتی دارد نه زمانی» یعنی جهان در هر لحظه بر علّت مُبقیه احتیاج دارد که همان خداست... خداوند ماده نیست بلکه از

جسم میراست. چون عقل است. یکی است و دویی در آن نیست و چون همه مخلوق را عقلی هست، بالضروره خالق آن نیز عاقل است... افعال و حوادث مستقیماً از خدا بوجود نمی آید بلکه اشیاء در نتیجه عمل غایی داخلی تکامل می یابد. شر از خدا به وجود نمی آید، بلکه وجود شرّ غرامتی است که در قبال آزادی اراده می پردازیم و ممکن است شرّ جزئی از لحاظ کلی خیر باشد... نفس غیرمادی است... هر نفس و هر عقلی مقداری آزادی و قدرت خلق و ابداع دارد که نظیر قدرت علت اولی است. چون نفس و عقل نیز از علت اولی به ظهور آمده است. نفس پاك، پس از مرگ به عقل کلی واصل می شود و سعادت صلحای نیکوکار همین است.

ابن سینا کوشش فراوان کرده است تا نظریات فلسفی خود را با عقاید عامه مسلمانان توافق دهد. وی نه مثل لوکرسیوس (Lucretius) بود که بخواهد، دین را به خاطر فلسفه از میان ببرد و نه مثل غزالی که يك قرن بعد از ابن سینا آمد و می خواست فلسفه را به خاطر دین نابود کند، بلکه وی همه قضایا را تنها به روش عقلی و کاملاً مستقل از قرآن، مورد بحث قرار می دهد. وحی را براساس قوانین طبیعت توضیح می دهد ولی به تأکید می گوید که وجود انبیاء برای مردم لازم است تا قوانین اخلاق را به صورت استعاره و مجاز که مردم فهم کنند و در آنها مؤثر شود توضیح دهند... به همین دلیل بود که پیغمبر از معاد جسمانی سخن می گفت و احیاناً بهشت را به صورت مادی وصف می کرد. فیلسوف ما، در خلود جسمانی تردید دارد و معتقد است که پر نمبر اگر بهشت را فقط به صورت روحانی وصف می کرد، مردم به سخنان او گوش نمی دادند و از آنها يك ملت نیرومند و منظم به وجود نمی آمد. کسانی که می توانند خدا را براساس محبت، آزاد و فارغ از امید و بیم عبادت کنند انسان کاملند ولی این مرحله عالی را برای همه پیروان خود فاش نمیکنند، بلکه فقط با کسانی که عقلشان کامل است و نفوسشان اوج گرفته، از آن سخن می گوید.

## آثار ابن سینا

کتاب شفا و قانون ابن سینا اوج کمالیست که تفکر قرون وسطا بدان دست یافته و در تاریخ تفکر انسانی، از تحقیقات معتبر

بشمار است. وی در غالب مباحث خود، از ارسطو و قارابی مایه می گیرد، چون ارسطو که در بسیاری از مباحث خود، مایه، از افلاطون می گرفت، اما این قضیه از منزلت او نمی کاهد... بعضی از سخنان ابن سینا به نظر عقل ممکن الخطای ما یاوه و پوچ می رسد، ولی همین قضیه درباره گفتار افلاطون و ارسطو نیز صادق است... ابن سینا اندیشه شکاک

و روح نقاد و وسعت نظر و آزادمنشی بیرونی را ندارد و اشتباهات وی، از بیرونی بیشتر است... این سینا در وسعت آفق علمی و فلسفی از همگان خود ممتاز است. نفوذ وی بسیار دامنه‌دار بود و از دیار شرق گذشته به اندلس رسید، و در فلسفه ابن‌رشد و ابن‌میمون اثر گذاشت و به دنیای مسیحی لاتینی و فیلسوفان مدرسی نیز رسید. تأثیر فراوان افکار ابن سینا در فلسفه البرتوس ماگنوس (Magnus) و توماس اکیناس (Aquinas) حیرت‌انگیز است.

روجر بیکن انگلیسی، او را بزرگترین استاد فلسفه بعد از ارسطو، لقب می‌دهد. با مرگ ابن سینا تقریباً دوران فلسفه در مشرق به سر رسید، زیرا تمایلات سُنیگری سلجوقیان و بیم رجال دین از افکار جسورانه فلسفی، و پیروزی تصوف غزالی، خیلی زود اندیشه فلسفی را از میان برد.

منابعی که هنوز مورد مطالعه قرار نگرفته است  
 متأسفانه اطلاعات ما دربارهٔ سه قرن از (۱۳۳-۴۴۲ هجری ۷۵۰-۱۰۵۰ میلادی) که فکر اسلامی در انتای آن شکوفا شد بسیار ناقص است، زیرا هزاران نسخهٔ خطی عربی در علوم و ادبیات و فلسفه همچنان در کتابخانه‌های دنیای اسلام نهان مانده است. تنها در اسلامبول سی کتابخانه در مسجدها هست که از نسخه‌های خطی آن اندکی منتشر شده است. در قاهره و دمشق و موصل و بغداد و دهلی، مجموعه‌های فراوانی هست که حتی فهرستی برای آن آثار تنظیم نشده است. در سکوریال، نزدیک مادرید، یک کتابخانه مفصلی هست که هنوز نسخه‌های خطی آن را در علوم و ادبیات و دین و فلسفه اسلام شمار نکرده‌اند. اطلاعاتی که دربارهٔ ثمرات فکر اسلامی در این سه قرن داریم اندکی از باقیماندهٔ آثار آنهاست... اگر علما، این میراث فراموش شده را کشف کنند به احتمال قوی قرن دهم مشرق اسلامی را در تاریخ علوم عقلی انسانی، به صف قرون طلایی خواهیم برد...<sup>۱</sup>

فلسفه بوعلی  
 بوعلی، فلسفه را به دو قسمت نظری و عملی تقسیم می‌کند. فلسفه نظری او از سه بخش طبیعیات، ریاضیات و الهیات سخن می‌گوید و فلسفهٔ عملی بوعلی شامل سه بخش اخلاق، تدبیر منزل و سیاست مُدُن می‌باشد.

بوعلی مانند فارابی موجود را به واجب‌الوجود و ممکن‌الوجود تقسیم می‌کند و

جهان را معلول و مخلوق ذات باری می‌داند. فرق واجب‌الوجود با ممکن‌الوجود در آن است که برای واجب‌الوجود هستی ضرورت دارد ولی در ممکن‌الوجود چنین نیست. و از این پندار چنین نتیجه می‌گیرد که همه چیزهای جهان ممکنند و نیازمند علتی هستند که آنها را به وجود آورد یا نیست و ناپود گرداند و با این بیان وجود خدا را اثبات می‌کند. به نظر او، خدا بسیط و هستی و ذات او یکی است. صفات خدا عین ذات اوست، خیر و کمال مطلق است. بوعلی جسم و روان را از هم جدا می‌داند و معتقد است که روان، که جوهری اندیشنده است، پس از مرگ باقی می‌ماند. روان و تن لازم و ملزوم یکدیگرند. روان ساده، بسیط و بخش ناپذیر است.<sup>۱</sup>

این سینا در جهان‌شناسی خود و آفرینش جهان نشان می‌دهد که چگونه کثرت از وحدت به وجود می‌آید و پیدایش کثرت از وحدت به دستیاری فرشته صورت می‌گیرد. در فلسفه ابن سینا، جهان‌شناسی، کاملاً به فرشته‌شناسی متصل است. فرشته هم در جهان‌شناسی و هم در سیر سلوک معنوی و وصول به معرفت، وظیفه‌دستگیری و نجات‌بخشی دارد.<sup>۲</sup>

حکمت عملی ابن سینا براساس سیاست مُدُن و تدبیر منزل و تهذیب نفس قرار دارد. به نحوی که تعریفات آنها قبلاً آمده است، فایده این علم آن است که فضایل و طریق کسب آنها و رذایل و راه اجتناب از آنها را به ما می‌آموزد و ما را از کمالات انسانی برخوردار می‌سازد. خداوند، مردم را از حیث عقول و آراء متفاوت خلق کرده است و به همین سبب اختلاف در طبقات اجتماع حاصل می‌شود. اگر همه مردم از زمره ملوک و فرمانروایان و یا جملگی از اهل کسب و حرفه بودند، جامعه، قوام و دوام نمی‌یافت و نظام آن می‌گیسخت، اگر همه غنی بودند هیچ کس به دیگری در امور اجتماعی مُعاونت و برای او کار نمی‌کرد و اگر همه تهی دست بودند از زبان و نومیدی هلاک می‌شدند، ولی اگر بعضی ثروتمند و غافل و دور از عقل و ادب باشند و دسته‌بی عقلا و تهیدست و بعضی ملوک، اما صاحب امراض و مصایب، ناچار هر دسته‌بی نیازمند دیگری و محتاج فوایدی هستند که از یکدیگر می‌برند.

۱. نگاه کنید به تاریخ مختصر فلسفه، دکتر موجد، ص ۹۲ به بعد.

۲. حکیم مسلمان، دکتر نصر، ص ۳۹.